

مروری بر ابعاد گوناگون امنیت اقتصادی از دیدگاه پنج تن از نمایندگان مجلس

■ امنیت اقتصادی، مبرم‌ترین پیش‌نیاز توسعه است

اشاره

امنیت اقتصادی، از متوله‌های پراهمیتی است که تاکنون در نگاهی همه‌جانبه مورد بررسی قرار نگرفته و به ابعاد گوناگون آن توجه کافی نشده است. اجرای سیاست تعدیل اقتصادی، ضرورت نگاه دوباره به بحث امنیت اقتصادی، را مطرح ساخته و بررسی کارشناسانه و روشکارانه آن را از زوایای مختلف اجتناب‌ناپذیر کرده است.

در غیاب امنیت و آرامش خاطر، هیچ فعالیتی به شکل دلخواه به ثمر نمی‌نشیند و آثار و نتایج مثبت به بار نمی‌آورد. برقراری و حفظ امنیت اقتصادی نیز بی‌شک به زمینه‌ها و ابزارهای نیاز دارد که فراهم آوردن آنها جزو اولویتهای مجموعه نظام، از دولت گرفته تا قوه مقننه و قوه قضائیه است. واقعیت آن است که بی‌توجهی به مسائل محوری توسعه - که امنیت اقتصادی یکی از آنهاست - و عبور از کنار آنها، هیچ چیز را به نفع مردم و نظام تغییر نخواهد داد. برای دستیابی به تعریفی دقیق و روشن از امنیت اقتصادی، و ابعاد آن، نشستی با حضور تنی چند از نمایندگان صاحب‌نظر مجلس شورای اسلامی ترتیب دادیم که حاصل آن در این شماره از نظر گرامیتان می‌گذرد.

آنچه در ادامه می‌خوانید، دیدگاههای آقایان مهندس مجدآرا نماینده بابلسر و بندپی و عضو کمیسیون برنامه و بودجه، ایاس حضرتی نماینده رشت و عضو کمیسیون اقتصاد و دارایی، مهندس نیکام نماینده تنکابن و رامسر و عضو کمیسیون صنایع و معادن، مهندس جمالی نماینده کاشان و عضو کمیسیون پست و تلگراف و نیرو و مهندس خاموشی نماینده تهران و عضو کمیسیون صنایع و معادن است که در پاسخ به پرسشهای مجلس و پژوهش، عنوان شده است.

گزارش ویژه

مهندس مجدآرا: با تشکر از «مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی» که در مورد «امنیت اقتصادی» ابتکار یک مطالعه را ارائه کردند، و با تأکید بر اهمیت حدیث نبوی که در ابتدای بحث گفته شد، آنچه که باعث آرامش خاطر افراد جامعه می‌شود همان «سلامت» و «امنیت» است، که به ثبات جامعه نیز کمک می‌کند و از نظر اعتقادی و عقلی نیز حائز اهمیت است، به نظر من، جلب اعتماد و اطمینان و حفظ آرامش روحی همه اقشار جامعه - اعم از تولیدکننده و یا مصرف‌کننده - و رعایت عدالت اجتماعی در مورد آنان، بیانگر مفهوم واقعی «امنیت اقتصادی» است. از اینرو، چنانچه «امنیت اقتصادی» را به عنوان یک اصل بپذیریم، آنوقت اگر ترسی پیامد یک اقدام اقتصادی باشد، نشانه‌دهنده نبود امنیت مورد نظر است.

در حالت کلی، هنگامی که هم مصرف‌کننده و هم تولیدکننده از روابط سالم اقتصادی مطمئن باشند و از ضرر و زیان این روابط نترسند، هر دو از نوعی امنیت اقتصادی برخوردار خواهند بود.

اما چه عواملی در استحکام «امنیت اقتصادی» نقش دارند؟ در درجه اول به برقراری عدالت اجتماعی باید توجه کرد، در این حالت هرکس در جایگاه واقعی خود قرار دارد و چون ظلمی بر کسی نمی‌شود، امنیت استمرار می‌یابد. بنابراین، هر جا ظلمی واقع شود امکان برقراری امنیت متفی است،

□ مجلس و پژوهش: از سخنان رسول گرامی اسلام (ص) است که: «نعمتان مجهولتان، الصلحه والامان». «سلامت» و «امنیت» دو نعمت بزرگ پروردگارند که اهمیت آنها در شؤون زندگی و توسعه اقتصادی قابل انکار نیست. «امنیت» ابعاد گوناگون دارد و حصول محورهاى اقتصادى، اجتماعى، سیاسى و حتى فرهنگى در گردش است. امروز ما پیرامون «امنیت اقتصادی» بحث خواهیم کرد و اینکه چه تعریفی برای این مقوله داریم و اساساً برای «امنیت اقتصادی» در توسعه، چه پایگاه و جایگاهی فائلیم؟

البته در این راستا پرسش‌های دیگری نیز مطرح خواهیم کرد، از جمله: این که در برخورد با «امنیت اقتصادی» در کدام نقاط با دقت و ظرافت عمل کرده‌ایم و کجا ناموفق بوده‌ایم؟ نقش دولت را در برقراری و حفظ «امنیت اقتصادی» چگونه می‌بینیم و در مورد تأثیر متقابل امنیت‌های اقتصادی و سیاسی، چه قضاوت‌هایی داریم؟ باید خالصانه اعتراف کنیم که تا به امروز به امنیت اقتصادی به عنوان یک مقوله مهم و مستقل، نگاهی فراگیر و موشکافانه نداشته‌ایم. ضمن تشکر از برادران شرکت‌کننده، از جناب مهندس مجدآرا می‌خواهیم که با بحث راجع به کلیات این مقوله، گردونه میزگرد را به حرکت درآورند.

در چنین وضعی سرمایه گذار دو بار و در دو مقطع دچار آثار و عواقب این خطرپذیری می شود. یکبار هنگامی که ورود کالایی به طور غیرمنتظره و شتابزده آزاد می شود و بار دیگر هنگامی است که به همان شکل، ورود همان کالا ممنوع شده است. این پدیده به هنگام نوسانهای شدید نرخ ارز و تصمیمهای متعدد و گاه متضاد آن نیز صادق است. زیرا، در بخشهای تولیدی و صنعتی، «ارز» نقش تعیین کننده دارد و عدم ثبات نرخ آن، سبب آشفتگی بازار می شود. به همین دلیل، سرمایه گذار باید دورنمای روشن و منطقی‌یی از نرخ ارز و قوانین بانکی و گمرکی داشته باشد تا بتواند عوامل «ریسک» را در فعالیتهایش کاهش دهد و در میدان سرمایه گذاریهای تولیدی، با اعتماد به نفس و اطمینان خاطر بیشتری گام بردارد. تجربه نشان داده است کشورهایی که عامل «ریسک» را در سرمایه گذاریهایشان پایین آورده‌اند، موفق‌تر بوده و از فعالیتهای اقتصادی‌شان بهره‌های بیشتری کسب کرده‌اند.

□ مجلس و پژوهش: **مسئله ریسک‌پذیری، موضوعی روشن و ملموس است و همانطور که اشاره شد با ثبات و پایداری قوانین و دستورالعملهای اقتصادی می‌تواند به حداقل برسد. سرمایه گذار باید از عاقبت کار و فعالیتش مطمئن باشد و احساس کند قوانین روشن، محکم و پایدار برای حراست از سرمایه‌اش وجود دارد. اگر چنین نیست باید به**

این ظلم ممکن است درمورد تولید کننده و یا مصرف کننده و یا هر دو باشد.

اصولاً هرکس که درصدد سرمایه گذاری در یک رشته تولیدی است، ابستدا پیش فرض‌هایی را از نظر می‌گذراند و سپس با توجه به این پیش فرض‌ها وارد عمل می‌شود. عوامل «ریسک» در سرمایه گذاری مهم است و هرچه تعداد این عوامل در سرمایه‌گذاری کاهش یابد، امنیت اقتصادی آن سرمایه‌گذاری بالا می‌رود. از اینرو می‌توان گفت که بین امنیت اقتصادی و ریسک (خطرپذیری) یک رابطه معکوس وجود دارد و تقویت هر یک، باعث تضعیف دیگری می‌شود.

براین اساس، اگر یک سرمایه گذار را از ثبات قوانین و مقررات اقتصادی مطمئن کنیم، به معنی آن است که امکان «ریسک» او را کاهش داده‌ایم و امنیت اقتصادی با ثبات‌تری برایش ایجاد کرده‌ایم. متقابلاً، چنانچه مسئله سرمایه‌گذاری را در ابعاد داخلی و خارجی حل نکنیم، به خودی خود میزان خطرپذیری (ریسک) را برای سرمایه‌گذار بالا برده‌ایم از اینرو، وی نمی‌داند با قوانین بانکی و گمرکی و سیاستهای پولی که دائماً در حال تغییر است، چگونه برخورد کند.

گزارش ویژه

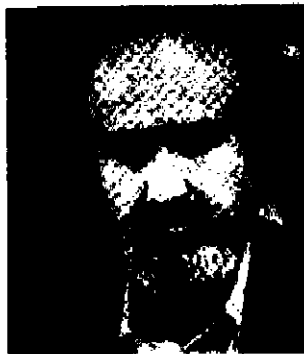
جنگهای لفظی دیده می شود، که برای امنیت اقتصادی زیان آور است. بدیهی است که سرمایه گذار با توجه به قوانین جاری کشور، تصمیم گیری می کند و این در شرایطی است که عملکرد گذشته در این مورد خوب نبوده و تصمیم گیریها و حرکت های اقتصادی پرنوسان و سینوسی، همواره وجود داشته باشد.

موضوع دیگر، مشخص شدن جایگاه دولت در سرمایه گذاری های اقتصادی است، زیرا، به ویژه در بعد داخلی، این مسأله اهمیت دارد که دولت می خواهد در یک مجموعه فعالیتهای تولیدی و صنعتی، نقش راهنما و «پدر خانواده» را داشته باشد و با همین دید، به بخشهای تعاونی و خصوصی بنگرد و امور آنها را تسهیل کند و بیاینکه خدای ناکرده می خواهد به مثابه رقیب، در مقابل دو بخش دیگر قسرا گیرد و اغلب تسهیلات رانتها برای خودش بخواهد؟ در کنار مسائل یاد شده، توجه به وضعیتهای جدید اقتصادی هم اهمیت دارد. زیرا، سیاست تعدیل اقتصادی به اجرا در آمده و تغییرات اساسی در کشور ایجاد شده بدون آنکه در مورد علت های آن به اندازه کافی با مردم و مدیران جامعه صحبت شده باشد. از اینرو، می بینیم که بسیاری از افراد از تعدیل اقتصادی ایراد می گیرند و به آن انتقادهایی می کنند، و دلیلش هم این است که در مورد این حرکت جدید، کاملاً توجه نشده اند و پاسخ سئوالهایشان را به صراحت و روشنی دریافت نکرده اند. این امر نیز

جستجوی علل و عواملش پرداخت
راههای برقراری و حفظ امنیت
اقتصادی را شناخت و به آن جهت
رفت. اما آیا این همه داستان است؟
جناب آقای حضرتی ...

الیاس حضرتی: به نظر من اهمیت موضوع امنیت اقتصادی فراتر از نبود ترس و خوف از سرمایه گذاری باید بررسی شود، و آن، توانایی ایجاد ذوق و شوق در افراد و تقویت انگیزه های آنان برای حداکثر سرمایه گذاری های تولیدی و صنعتی است. البته «ثبات قوانین» هم یکی از اصول امنیت اقتصادی است و کسی که می خواهد در جایی سرمایه گذاری کند ابتدا یک نظر کلی به کلان کشور می اندازد تا ببیند در آنجا قوانین صریح و روشن برای سرمایه گذاری و تولید وجود دارد یا نه، و در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا به آن قوانین به خوبی عمل می شود یا خیر؟ و نیز در صورت حاکمیت «قانونمداری» آیا قوانین مکمل هم هستند یا ناقص یکدیگر، و همچنین در جهت حمایت از سرمایه گذار، قوانین مزبور مانند اعضای یک ارکستر هماهنگ و همساز عمل می کنند، یا هر یک ساز خود را می زنند؟ همین طور در مورد مسئولان کشور، که آیا هماهنگ حرف می زنند و عمل می کنند؟ یا حرف و عمل یک وزیر با وزیر دیگر از زمین تا آسمان فرق دارد؟

مستأسفانه در موارد زیادی در اظهار نظر های مدیران عالی رتبه و وزیران،



میوراگرد

می تواند بعنوان یکی از دلایل به خطر افتادن امنیت اقتصادی مطرح باشد...

مهندس نیکنام: به نظر من اقتصادی موفق است که عوامل تولیدی اش آسان و ارزان به دست آید، برای رسیدن به این منظور نیز مواردی که سبب سخت و گران به دست آمدن عوامل تولید می شود باید از میان برداشته شود. یکی از موارد یادشده، «غیرقابل پیش بینی بودن رفتارهای اقتصادی» کشور است، زیرا در شرایط متعادل، یک شعور متعارف اقتصادی باید قادر به پیش بینی آنچه اتفاق خواهد افتاد، باشد تا از این طریق بتواند درجه «ریسک» فعالیتهای اقتصادی را پایین بیاورد و تصمیمهای درست بگیرد. تنها در این صورت است که سرمایه گذار به ادامه فعالیتهايش دل می بندد و به برنامه ریزیهای مورد نیاز می پردازد. برای قابل پیش بینی کردن رفتارهای اقتصادی - و در نتیجه پایین آوردن هزینه دستیابی به عوامل تولید - حرکتیهای اقتصادی بسایند نظام یافته و قانونمند باشند، تا جایی که درک و پیش بینی آنچه اتفاق خواهد افتاد، امکان پذیر شود. از سوی دیگر، تلاش انسان در دو جنبه کلی و عمومی است: «به دست آوردن سود و امکانات مادی» و «کسب

آقای مهندس نیکنام، عضو کمیسیون صنایع و معادن:

* حرکتیهای اقتصادی بسایند قانونمند و نظام یافته باشد؛ تا درک و پیش بینی آنچه اتفاق خواهد افتاد امکان پذیر شود.

* علاوه بر سود مادی، کسب اعتبار و شخصیت معنوی هم برای سرمایه گذار اهمیت دارد و به این مورد نیز باید بها داده شود.

* امنیت اقتصادی را نمی توان از امنیتهای سیاسی، اجتماعی و روانی تفکیک کرد.

گزارش ویژه

دلخواهی هم ندارد. «امنیت اقتصادی» را نمی‌توان از امنیتهای سیاسی، اجتماعی و روانی تفکیک کرد. امروزه خوشبختانه امنیت سیاسی بر جامعه حاکم است و آنچه لازم است که پدید آید، امنیت روانی مورد نیاز فعالیتهای اقتصادی است.

اگر می‌خواهیم کسانی به دنبال تولید بروند و در این زمینه سرمایه‌گذاری کنند، به این نوع فعالیتهای باید ارزش روانی بدهیم. کسی که همه دارایی‌اش را در رشته‌ای سرمایه‌گذاری می‌کند و با تمام قدرت و توانایی در این خصوص می‌کوشد، اگر مورد بی‌مهری قرار گیرد به دنبال کارهای غیرتولیدی می‌رود.

نکته دوم، ضرورت ثبات تصمیمهای دولت است زیرا، تنها یک تغییر به ظاهر جزئی در تصمیمهای بانک مرکزی می‌تواند عده‌ای را میلیاردر و عده دیگری را ورشکسته کند. کوچکترین فعالیت تولیدی فرایندی ۲۰ ساله دارد، از اینرو تغییرات روزمره قوانین و مقررات روند عادی این جریان را مختل می‌کند و به آن آسیبهای جدی می‌رساند.

موضوع سوم، ضرورت لغو انحصارات - چه دولتی و چه خصوصی - است. سرمایه‌گذار باید مواد اولیه مورد نیازش را از بازار تهیه کند، وقتی این مواد به طور انحصاری نزد عده‌ای محدود باشد ریسک‌پذیری سرمایه‌گذار بالا می‌رود و در نتیجه، امکان افزایش هزینه‌های تولید و

اعتبار و شخصیت معنوی». اگر در حرکتیهای اقتصادی فقط به جنبه اول فعالیتهای بها دهیم، نه تنها از نظر معنوی زیان می‌بینیم، بلکه حتی از نظر اقتصادی نیز به رشد مورد نظر دست نمی‌یابیم، بنابراین، در کنار فراهم آوردن سود مادی، امکاناتی باید فراهم آید که سرمایه‌گذار از وجهه معنوی هم برخوردار شود، و درچنین شرایطی است که انسانهای خلاق، سازنده و صاحب‌شان و منزلت اجتماعی پدید می‌آیند و فعالیتهایشان را در مسیر توسعه کشور متمرکز می‌کنند.

□ مجلس و پژوهش: از این

سخنان می‌توان نتیجه گرفت که دستیابی به یک نظام ارزشی برای برقراری امنیت اقتصادی، لازم و ضروری است، یعنی مثلاً همانطور که یک کارگر مبتکر و خلاق از موقعیت و منزلت اجتماعی برخوردار است، یک سرمایه‌گذار هم باید از موقعیت مناسب برخوردار باشد؛ وگرنه سرمایه‌گذاری به جبهی سوق داده می‌شود که با فعالیتهای سالم اقتصادی مغایرت دارد و با مسیر و مجرای مورد نیاز توسعه، در تضاد است...

مهندس جمالی: همینطور است که می‌فرمایید. به نظر من تا امنیت اقتصادی در جامعه برقرار نشود، آنچه دیده می‌شود هزینه‌های سنگین دولت است که نتیجه



**آقای مهندس جمالی، عضو
کمیسیون پست و تلگراف و نیرو:**

* کسی که همه دارایی خود را
در رشته‌ای سرمایه‌گذاری
می‌کند، اگر مورد بی‌مهری قرار
گیرد به دنبال کارهای غیرتولیدی
می‌رود.

* کوچکترین فعالیت تولیدی،
فرایندی ۲۰ ساله دارد و هرگونه
تغییرات روزمره در قوانین و
مقررات، روند این جریان
را مختل می‌کند و به آن آسیب
جدی می‌رساند.

* یکی از ضروریات برقراری
«امنیت اقتصادی» لغو
انحصارات دولتی و خصوصی و
کاهش ریسک‌پذیری است.

ضرر و زیان سرمایه‌گذار افزایش می‌یابد. در
مسائل اقتصادی به جای «دولت شمول»
باید «ملت شمول» فکر کرد و براین اساس،
یک وزارتخانه نباید تنها مسائل و منافع خود
را ببیند و به سایر وزارتخانه‌ها، و در مجموع
به مسائل ملت، بی‌اعتنا باشد.

پس از پیروزی انقلاب، عده‌ای حتی
خانه‌هایشان را فروختند تا در بخش تولید و
صنعت سرمایه‌گذاری کنند، ولی کسانی که
زحمت اینکار را به خود ندادند و به دنبال
کارهای دلالی رفتند، به حال و روز آنان
می‌خندیدند! لذا اگر امنیت اقتصادی را در
جامعه برقرار نکنیم، نقدینگیها به سوی
فعالتهای دلالی و واسطه‌گری می‌رود،
کارهای تولیدی کم‌روتق می‌شود، اختلافهای
طبقاتی فزونی می‌گیرد و به علت سرگردانی
گسترده نقدینگی، دولت از سرمایه‌گذارهای
اساسی باز می‌ماند.

دولت طبق مقررات از تولیدکنندگان
مالیات می‌گیرد، چه خوب است اسامی
کسانی که مالیاتشان را به طور کامل و به
موقع پرداخت کرده‌اند، به ملت اعلام شود
تا مالیات‌دهندگان وظیفه‌شناس و درستکار
به مردم معرفی و به نوعی تشویق شوند و
همگان بدانند آنکه مالیات بیشتری داده،
طبقاً فعالیت تولیدی بیشتری داشته و به

هیچ، دقیقاً به ضرر اقتصاد است.
آقای مهندسی خاموشی!

همان نسبت در ایجاد اشتغال، نقش مهمتری
ایفا کرده است.

مهندس خاموشی: اصولاً به نظر من
مسئول ایجاد امنیت در هر جامعه‌ای دولت
است و وظیفه او است که با استفاده از
نیروی قضایی و انتظامی، جلوی تخلفات
اجتماعی، نظامی و اقتصادی را بگیرد.

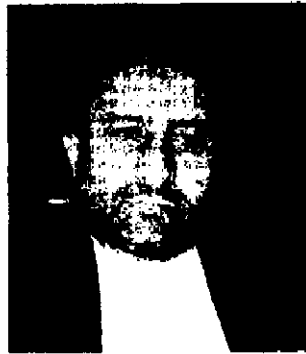
پیگیریها و مراقبتهای دولت سبب
می‌شود مردم خود را در ایجاد و حفظ امنیت
مقید بدانند و در این جهت کوشا باشند.
وگرنه، بشر اصولاً موجودی سرکش است.
تمام قوانین و مجازاتهای اسلامی نیز برای
مهار انسانهای سرکش و برقراری امنیت در
جامعه است. بنابراین، اولین شرط برقراری
امنیت به طور عام - و امنیت اقتصادی به
طور خاص - تمایل دولت به این کار است،
به عبارت دیگر، دولت باید برقراری امنیت
اقتصادی مطلوب را خواهان باشد.

مورد دوم، تشخیص امنیت اقتصادی و
ارائه تعریفی روشن برای آن است. شاید
بگوییم امنیت اقتصادی در گروی عدالت
اجتماعی است. که در حرفی خوب است.
ولی واقعاً و در عمل، در چه دورانی از
تاریخ حیات بشر عدالت اجتماعی به مفهوم
واقعی آن برقرار بوده است؟ زیرا عدالت
اجتماعی اصولاً نسبی است، و نه مطلق. به
همین دلیل، با سنجیدن و قیاس دو جامعه
می‌گویند که در یکی نسبت به دیگری،
عدالت اجتماعی بیشتری برقرار است. حتی در
زمان رسول اکرم (ص)، قوانین موردنیاز

□ مجلس و پژوهش: مسأله این
است که مسؤولیت دولت تا کجا باید
باشد تا به تقابلهای و تداخلها خاتمه
دهد و اعتماد مردم به کلیت نظام را به
اعتماد آنان به تمام کارگزاران نظام
تبدیل کند؟

فی‌المثل ملاحظه فرمایید که در
دنیای امروز مسأله دریافت مالیات
در بیشتر کشورها حل شده است به
این ترتیب که مثلاً از یک سو ضرائب
و تعرفه‌های مالیاتی را پایین آورده‌اند
به این ترتیب اعتماد به مردم را بالا
برده‌اند و افسراد بیشتری را در
پرداخت آن سهم و شریک کرده‌اند و
البته متقابلاً برای فرار از مالیات،
جریمه‌ها و تنبیه‌های شدیدی را در
نظر گرفته‌اند،

اما متأسفانه در اینجا مؤدی و
ممیز در تقابلند! غفلت داریم که فی
المثل وصول یک مبلغی، ممکن
است در ظاهر خیلی خوب باشد و
آمار وصولی ما را بالا ببرد، ولی همین
حرکت حساب نشده یا «تفسیر من
هندی» از قوانین یا «تحریر
دستورالعملهای مالیاتی
ضد توسعه‌ای» و امثالهم می‌توانند
اساس چیزی شست‌کنند که ما اسمش
را «امنیت اقتصادی» می‌گذاریم. از
نگاه اقتصاد توسعه که نگاه می‌کنیم،
این درآمد به نفع اقتصاد که نیست



میدان

آقای مهندس خاموشی، عضو کمیسیون صنایع و معادن:

* در «مالکیت» فقط باید «مشروعیت» آن مطرح باشد نه حد و مرز آن. وقتی مشروعیت مالکیتی روشن و ثابت شد، دستگاه قضاییه و سیستم انتظامی کشور موظفند از آن حمایت و نگهداری کنند.

* ضد ارزش ارزیابی کردن «داشتن»، ضد امنیت اقتصادی است و ضروری است به «کارآفرینان» و سرمایه‌گذاران بها داده شود تا از راه افزایش درآمد ناخالص ملی، ایجاد اشتغال و به‌کارگیری پولهای راکد، بتوانند در رشد و شکوفایی اقتصاد کشور گامهای بلندتری بردارند.

عدالت اجتماعی موجود بوده ولی فرصت‌پیا ده کردنش پیدا نشد. بنابراین باید پرسید که سیاستگذاران دولت، امنیت اقتصادی را در چه می‌بینند و آنرا چگونه ارزیابی می‌کنند؟

هنوز پس از پیروزی انقلاب، یکی از نکات مبهم، روشن نبودن «حد مالکیت» است. وقتی حد مطلوب مالکیت مشخص شد، امکان دستیابی به امنیت اقتصادی آسانتر می‌شود و ابزار مورد نیاز حفظ و نگهداری آن نیز فراهم می‌آید.

اگر فرض کنیم «امنیت اقتصادی» عبارت است از: «سیستمی آرامش‌بخش در جامعه که باعث تأمین و رشد اقتصاد شود و در سایه آن، عدالت اجتماعی مطلوب ما را هم برقرار کند - که این با تقسیم فقر در جامعه فرق دارد - و در نهایت به ارتقای سطح زندگی عامه مردم بیانجامد»، با این تعریف - که تعریفی جامع و کامل از امنیت اقتصادی هم نیست - باید دید چه زمینه و ابزار و وسایلی باید در اجتماع به وجود آید تا متضمن برقراری و تداوم امنیت و رشدی اقتصادی، به طور همزمان، باشد؟

برای رسیدن به این منظور، جهت‌گیری قوانین در همه شئون باید به سمت رشد سالم اقتصادی جامعه باشد و آیین‌نامه‌ها و مقررات قانونی نیز باید از همسویی و

گزارش ویژه

سازنده و پویای اقتصادی به صورت یک «ارزش» درآید و همان‌طور که در میدان نظامی و دفاع مقدس به وجود رزمندگان شجاع و ایثارگر نیاز بود، الان نیز در میدان اقتصاد و مبارزات اقتصادی به نیروهای ایثارگر نیاز است تا ضمن کمک به افزایش تولید ناخالص ملی، ضمن ایجاد اشتغال و پرداخت مالیات، سهم بزرگتری را در به کارگیری پولهای راکد در اقتصاد کشور برعهده گیرند و در جهت رشد و شکوفایی آن گامهای بلندتری را بردارند.

به عبارت دیگر، از همان روشهایی که برای گرم نگه داشتن میدان دفاع مقدس استفاده شد و از پایین‌ترین اقشار اجتماع تا بالاترین مقام نظام برای رزمندگان ایثارگر ارزش و احترام قائل بودند، امروزه نیز رزمندگان واقعی سنگر تولید و اقتصاد باید از احترام لازم برخوردار باشند، و وضعی نباشد که یک کارخانه‌دار در مراجعه به ادارای، در مقابل کارمند آنجا سرش را کج کند و با حالت خواهش و شرمزدگی، تقاضایش را مطرح سازد زیرا، آن کارمند است که باید به عنوان شخصی که در تولید و ایجاد اشتغال در جامعه نقش دارد، با آن کارخانه‌دار برخورد کند و احترام او را به طور کامل داشته باشد...

مهندس نیکنام: به اعتقاد من مالکیت اگر از راه سعی و کوشش متعارف اجتماعی و با رعایت جوانب شرعی احراز شده باشد، هیچ محدودیتی ندارد. با توجه به اینکه

همانگی لازم سود جویند. دیگر این که، قوانین اقتصادی از ثبات و پایداری لازم برخوردار باشند و نیز تکلیف مالکیتها هرچه زودتر مشخص و حد و مرز آن - اگر لازم است - تعیین شود. هرچند که به نظر من، در مالکیت، فقط «مشروعیت» آن باید مطرح باشد، نه حد و مرز آن. وقتی مشروعیت مالکیتی روشن و ثابت شد، دستگاه قضایی و سیستم انتظامی کشور موظفند از آن حمایت و نگهداری کنند.

اینکه فرضاً بگویند در منطقه‌ای که خانه‌های مجلل دارد و یا از خط‌الرأس مرکز شهر بالاتر است ضرورتی ندارد که نیروی انتظامی مأمور بگمارد، عمل درستی نیست. زیرا اگر دولت به مشروعیت مالکیت آن خانه‌ها صحه گذاشته و به رسمیت شناخته است، موظف است که از منابع عمومی در جهت حفظ آن مالکیتها استفاده کند، این موضوع طبعاً در مورد مالکیت واحدهای تولیدی و صنعتی هم صادق است.

در کنار مسائل یادشده، موضوع ارزش دادن به «کارآفرینان» و سرمایه‌گذاران که در افزایش تولید ناخالص ملی نقش دارند، مطرح است. زیرا، اگرچه به ضرورت‌هایی در سالهای اخیر «داشتن» ضد ارزش ارزیابی شده و «نداشتن» ارزش، ولی این نوع قضاوت در واقع ضد امنیت اقتصادی است و امروزه که دیگر نیازی به این قبیل شعارها نیست و ضرورت برقراری امنیت اقتصادی مورد قبول قرار گرفته است، باید فعالیت‌های



مهیار غورد

هرکس که خدمتی ارائه می‌کند انتظار جبران آن خدمت را دارد، سرمایه‌گذار هم متوقع جبران چنین خدمتی است. اگر از کسی بخواهیم که توسعه مالکیت را متوقف کن، این یعنی تلاشت را برای تولید و سازندگی متوقف کن. ولی، شرایط باید طوری باشد که از نظر قانونی هرکس که اراده کرد بتواند از امکانات بیشتری برخوردار شود. به شرط آنکه مالیات عادلانه آنرا هم بپردازد. در این حالت، افراد می‌توانند آثار تلاش و زحمات خود را در اجتماع ببینند و لذت ببرند. این امر علاوه بر نفع شخصی، فعالیت‌های نیکوکاری و کمک به دیگران را هم شامل می‌شود...

مهندس مجدآرا: من اینجا صحبت دارم، چنانچه مانند بعضی از کشورها، تولید ناخالص ملی تنها متوجه ۱۵ درصد از افراد شود و ۸۵ درصد بقیه از این رشد اقتصادی بهره‌چندانی نداشته باشند، چنین رشدی مطلوب نیست بلکه، رشد اقتصادی همراه با برقراری عدالت اجتماعی مطرح است و موقعی مطلوب به نظر می‌رسد، که تمام آحاد ملت را از آثارش برخوردار کند.

اگر بتوانیم رشد اقتصادی را با توزیع عادلانه منابع به همه افراد اجتماع همراه کنیم، در واقع به «امنیت اقتصادی» واقعی

آقای مهندس مجدآرا، عضو کمیسیون برنامه و بودجه:

* هرچه عوامل «ریسک» در یک سرمایه‌گذاری کمتر باشد، امنیت اقتصادی آن بیشتر است.

* اگر بتوانیم رشد اقتصادی را با توزیع عادلانه منابع به همه افراد اجتماع همراه کنیم، به امنیت اقتصادی واقعی دست یافته‌ایم.

* تصمیم‌های اقتصادی باید قائم به سیستم و مقررات ثابت و قانونی باشد، و تسلط افراد بر اموالشان همواره باید محترم شمرده شود.

گزارش ویژه

□ مجلس و پژوهش: با اینحال واقعیت این است که ما در گذشته با مسأله سرمایه‌گذاری و مالکیت، برخوردی سیاسی داشته‌ایم و الان هم به نوعی همین نگاه را داریم...

الیاس حضرتی: ضمن تأیید این مطلب بنده هم عرض می‌کنم که ما چنانچه نتوانیم به مسائل اقتصادی «جامع‌نگر» باشیم و تنها به یک‌بخش از موضوع - رشد اقتصادی - توجه کنیم و مسائل فرهنگی را نادیده بگیریم، قطعاً با مشکلاتی مواجه می‌شویم. از اینرو باید مسائل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را با هم ببینیم و در طرح مسائل، جنبه‌های فرهنگی را از نظر دور نذاریم. اگر در موضوعی بتوانیم پشتوانه فرهنگی و نیز مشارکت جامعه را کسب کنیم، خود به خود ضریب امنیت اقتصادی را بالا برده‌ایم.

موضوع بحث، اهمیت سیستم اقتصادی است و این سؤال مطرح است که در یک جامعه، آیا این سیستم است که درست تنظیم شده و از ثبات کافی برخوردار است، یا افرادی که سلیقه‌های گوناگون دارند و آنرا اعمال می‌کنند؟

بعضی از جوامع به اعمال و رفتار افراد توجه دارند و تغییرات اقتصادی نیز بر همین مبنا صورت می‌گیرد. حال آنکه در برخی از دیگر جوامع، چنین نیست و به دلیل حاکمیت سیستم به جای فرد و اعتقاد سرمایه‌گذاران به پایداری حاکمیت سیستم،

دست یافته‌ایم، که البته برعهده مجلس و دولت است که زمینه‌های قانونی و اجرایی این وضع را فراهم کنند.

یک نکته دیگر که من لازم می‌دانم اشاره کنم این است که یک سرمایه‌گذار در دو آینه نگاه می‌کند؛ دو آینه‌ای که روبروی هم قرار دارند و منعکس‌کننده یکدیگرند. اول «آینه اقتصادی» مانند ابزارهای پولی و بانکی و مقررات گمرکی، و دوم «آینه سیاسی» است که به تصمیمهای دولتمردان باز می‌گردد و تغییر یک بخشدار، فرماندار و یا استاندار می‌تواند به تغییر سیاستهای حمایتی از سرمایه‌گذاران بیانجامد.

آینه‌های اقتصادی و سیاسی منعکس‌کننده همه عوامل «ریسک» سرمایه‌گذاری است و اینکه به ویژه خبرنگاران خارجی دائماً می‌پرسند که رئیس جمهوری و رئیس مجلس و دیگر رجال سیاسی تغییر خواهند کرد یا نه؟ به دلیل این است که می‌پندارند با تغییر آنان، سیاستها نیز دچار دگرگونی خواهد شد و برای خارجیان مهم است که چه سیاستی بر کشور حکمفرمایی خواهد کرد. حال آنکه تصمیمهای اقتصادی در کشور ما باید قائم به سیستم و مقررات ثابت و قانونی باشد و نه قائم به فرد و شخص مالکیت نیز در صورت پرداخت حقوق شرعی و قانونی آن، نباید حد و مرز داشته باشد و تسلط افراد بر اموالشان همواره باید محترم شمرده شود.



میلاگرد

حتی بحرانهای شدید سیاسی و تغییر دولتمردان رده بالای کشور نیز موجب تسخیرات چشمگیر در روابط اقتصادی نمی‌شود، که نمونه بارز آن را در بحرانهای شدید سیاسی ژاپن - که اخیراً روی داد - شاهد بودیم.

آقای الیاس حضرتی، عضو کمیسیون اقتصاد و دارایی:

* برای برقراری «امنیت اقتصادی»، «قانونگذاری» ضروری است، و در عین حال قوانین باید به مثابه اعضای یک ارکستر، همساز و هماهنگ عمل کنند.

* باید مشخص شود که در یک مجموعه فعالیتهای تولیدی و صنعتی، دولت می‌خواهد نقش راهنما و پدر خانواده را داشته باشد و یا مانند رقیب دو بخش دیگر - تعاونی و خصوصی - وارد عمل شود و همه چیز را برای خود بخواند.

□ مجلس و پژوهش: با این حال اجازه بدهید بگوئیم که هنوز از بحث برادران عزیز در این جلسه، دست‌گیرمان نشد که بالاخره این معضله «امنیت اقتصادی» ریشه در کجا دارد و قطعاً برای حل آن چه باید کرد! متأسفانه هنوز معلوم نیست که بالاخره مالکیت محدود است یا نامحدود! شاید با قیدهایی که برایش می‌گذاریم عملاً داریم باز بر دایره گنگی و بلا تکلیفی می‌افزاییم. آیا با این وصف اصلاً می‌توان از اعتماد سرمایه‌گذاری سخن گفت؟ جناب آقای جمالی!

مهندس جمالی: به گمان من، جلب اعتماد سرمایه‌گذاران به سیستم اقتصادی کشور، از وظایف دولت و قانونگذاران است. می‌توانم شهادت دهم بیشتر موکلینی که با من ملاقات می‌کنند، قبل از شکایت از

□ مجلس و پژوهش: به نظر می‌رسد که اینجا از «طیف» کمتر خبری هست و ظاهراً داریم به یک «وفساق» ارزنده در زمینه امنیت اقتصادی و حمایت همه جانبه از سرمایه گذار می‌رسیم و اینکه باید اصل را بر حل مشکلات حال و آینده گذاشت و از سخنان ذهنی فاصله جست. با اینحال پرسشهای اساسی که کلیدی هم هستند همچنان پلانکلیفند! حتی نمی‌دانیم که اصلاً این برنامه دوم با این مقوله چگونه برخورد کرده، و آیا اساساً آن را به عنوان یک معضل شناخته است، یا نه...؟

مهندس نیکنام: من تصور می‌کنم که با روش آزمون و خطا داریم به صورت مسئله و راه‌حلی نزدیک می‌شویم. البته اگر همه چیز روشن نیست، دلیلش این است که شاید این نخستین مواجهه با مطلب باشد که شما ابتکارش را به خرج داده‌اید.

پس از پیروزی انقلاب، عده‌ای روی منافع و یا باورهایشان، یکسری - به تعبیر من - «بداخلاقیها» را در جامعه اشاعه دادند و در نتیجه، نزد بعضی از کارگران این تصور را ایجاد کردند که شما حتی اگر کار نکنید، سرمایه حقوقتان را دریافت می‌کنید! این روحیه کم و بیش باقی مانده است و حتی در روز «بسیج کارگری»، کارگران بسیاری

تورم و گرانی و کمبود دارو و امثال آنها، مشکل اشتغال را مطرح می‌کنند و خواستار رفع بیکاری هستند، که لازمه آنهاهم رشد فعالیت‌های صنعتی و تولیدی و نیز سرمایه‌گذاری در این زمینه است که طبعاً به برقراری و تداوم «امنیت اقتصادی» نیاز دارد. از اول انقلاب تا به امروز، همه برادران و خواهران مذهبی و انقلابی دلشان می‌خواسته سرمایه‌های کشور مفت و مجانی و به آسانی نصیب کسی نشود، که می‌بینیم متأسفانه خواست و آرزوی آنان به طور کامل برآورده نشده است، زیرا، در گذشته به مسائل اقتصادی تنها از یک بعد نگریسته شده و دولت به جای سیاست‌گذاریهای اصولی به نفع مشارکت هرچه بیشتر مردم در امور، اغلب به واردات یکسری کالا از خارج پرداخته است. امروزه هم که گمان می‌کردیم با ارزان شدن نرخ ارز قیمت کالاها کاهش می‌یابد، می‌بینیم که چنین نشده است. به همین دلیل روی عامل روانی فعالیت‌های اقتصادی خیلی تأکید دارم و به طور نمونه، چندی پیش که «پدر صنعت نساجی» در کاشان درگذشت، مردم به طرز کم سابقه‌ای در تشییع جنازه او شرکت کردند. بعضی‌ها می‌گفتند اگر سرمایه‌دار چنین شخصی است، ایکاش ما هم سرمایه‌دار بودیم! این قبیل افراد که زندگی سالم و سستی خود را دارند، چرا مشاور مقامهای تصمیم‌گیرنده کشور نشوند؟ و بجای آنها مقاماتی اینکار را بکنند که نه تجربه‌اش را دارند و نه

فراهم می‌آورد.

در وزارت صنایع آلمان، راجع به سیاستگذاری در صنایع آن کشور سئوالهایی را مطرح کردم، گفتند: همه آزادند هر کاری را که برای بهبود کمی و کیفی تولیدات خود لازم می‌دانند انجام دهند و ما تنها در مواقعی که ضعفهایی را در سیستم تولید و یا افزایش قیمت یک کالا به دلیل انحصاری شدن آن می‌بینیم، با ابزارها و اهرمهایی که در دست داریم در جهت کنترل صنایع مورد نظر، می‌کوشیم. به عنوان مثال، رشته‌ای که دچار نوسانهایی در قیمت شده است، از معافتهای مالیاتی برخوردار می‌کنیم و یا اعتبارات بانکی در اختیارش می‌گذاریم.

در کشور ما، دولت به اندازه کافی ابزار کنترل اقتصادی (مانند قانونهای مالیاتی و ضد انحصار، اعتبارات بانکی و امثالهم) در اختیار دارد و از آنها می‌تواند در جهت ایجاد تعادل در اقتصاد و تولید سود جوید.

در یک جمع‌بندی، می‌توان گفت که «امنیت اقتصادی» خارج از امنیتهای سیاسی، قضایی، اجتماعی و فرهنگی معنی ندارد و ما در زمانی این بحث را مطرح می‌کنیم که خوشبختانه از میدان جنگ نظامی با دشمن متجاوز، پیروز بیرون آمده‌ایم و در نبرد سیاسی در جهان، به اندازه کافی قدرت یافته‌ایم، و حال نوبت آن است که در زمینه «امنیت اقتصادی» نیز به نتایج مطلوب برسیم. البته این سخن به مفهوم فداکردن سایر امنیتهای نیست، بلکه، امنیت اقتصادی به وجود سایر امنیتهای نیاز دارد و در سایه آنها است که ثمر می‌دهد.

کارشان را رها و در مقابل مجلس اجتماع کردند و به مناسبت آن روز شعار می‌دادند. یکی نبود به آن برادران عزیز بگوید آیا بهتر نبود به کار همیشگی‌شان می‌پرداختند و بعد از ظهر به مجلس می‌آمدند و شعار حمایت از آن روز را می‌دادند؟!

«بداخلاقها» در موارد مختلف وجود داشته و «انگ» زدن به افراد و بی‌توجهی به سلسله مراتب کاری و اداری، از جمله آثار و عواقب آن بوده است، و حالا همه کسانی که صاحب تربیون و نفوذ کلام هستند باید با مردم صحبت کنند تا به تداوم بعضی از بداخلاقها در جامعه پایان داده شود.

مهندس خاموشی: توصیه‌ای که بارها شنیده‌ایم این است که «مراقب باشید حاکمیت سرمایه در کشور به وقوع نپیوندد». این مطلب در اصل درست است و هشدار می‌دهد که مبادا سرمایه در جا و یا نزد کسی متمرکز شود و یا گروهی از اهرم سرمایه، سوءاستفاده کنند و ولنگاری اقتصادی، جای «امنیت اقتصادی» را بگیرد. با اینهمه، عبارت یادشده در جای غلط به کار می‌رود و به همین دلیل برداشتهای غلطی از سرمایه در جامعه ایجاد می‌کند. حال آنکه این سیستم غلط اقتصادی است که باعث حاکمیت سرمایه می‌شود و زمینه سوءاستفاده از آنرا

گزارش ویژه

پژوهشها بتوانیم مطالعه دقیقی را حول این مباحث آغاز کنیم و در یک نشست دیگر، حاصل مطالعات را با عزیزان در میان بگذاریم، به مننه و عونه. مجدداً از فرصتی که در اختیارمان گذاشتید و از صراحتی که مبذول داشتید سپاسگزاریم.

□ □ □

مهندس مجدآرا؛ مادرکنار مسائل گفته شده، باید به موانع ایجاد امنیت اقتصادی هم توجه کنیم، که یکی از موارد آن «قانون کار» است.

من این وضع را خلاف عدالت و مانع برقراری «امنیت اقتصادی» می بینم و امیدوارم با اصلاح وضع موجود، شرایط به گونه ای مساعد شوند که علاوه بر بهبود روابط صنعتی، سیاستهایی مانند تثبیت مالکیت اراضی و وحدت زمینهای کشاورزی نیز به نتیجه دلخواه برسد و «امنیت اقتصادی» توسعه یابد.

الیاس حضرتی: راجع به «قانون کار»، جای بحث فراوان است و متأسفانه فرهنگ ما به گونه ای است که هنوز از سرمایه گذار با احترام یاد نمی شود و قضاوتهای نادرستی درباره او صورت می گیرد. این امر در واقع یک معضل فرهنگی است و برای برقراری و حفظ «امنیت اقتصادی»، باید به حل و فصل معضل مزبور پرداخت و راه را برای فعالیت های مولد و سازنده اقتصادی، آسانتر و هموارتر کرد.

□ مجلس و پژوهش: بحث

امروزه پایان آمد، اما باید بپذیریم که تنها خطوط خیلی کلی از چهره امنیت اقتصادی را ترسیم کردیم. به نظر می رسد که مسایل بسیار زیادی حول این مقوله وجود دارد که باید پیرامون آنها به بحث و مذاکره پرداخت. امیدواریم که در مرکز